

دو فصلنامه تخصصی تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۴/۲۰

صص ۱۷-۳۴

واکاوی عملکرد وزارت یحیی برمکی در عصر عباسی

۱- مجتبی گراوند*، ۲- اسماعیل سپهوند^۲، ۳- بیژن یزدانی^۳

۱- استادیار تاریخ دانشگاه لرستان

۲- دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه لرستان

۳- کارشناسی تاریخ، دانشگاه لرستان

چکیده:

پرداختن به موقعیت، جایگاه و اهمیت منصب وزرات همیشه مورد توجه صاحبان علم و سیاست و اخلاق و مورخان و اندیشمندان در ایران و اسلام بوده است. در این میان بعضی مؤلفان و مورخان آثار خویش را تنها به اهمیت و اعتبار جایگاه وزارت در حکومت و نقش وزرا در مبادلات سیاسی-اجتماعی در حکومت های ایرانی و اسلامی را با اختصاص یک اثر به زندگی وزرا به منصفه ظهور رسانده اند. در بسیاری از آثار مورخان و اندیشمندان سیاسی از یحیی برمکی از وزرای معروف بنی عباس با عنوان یک وزیر برجسته و تمام عیار یاد شده است. وی در دوره خلافت هارون دارای جایگاه ممتازی بود که دولت عباسیان را از هر نظر به اوج قدرت خویش رساند. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای به بررسی موضوع بپردازد.

واژه‌های کلیدی: یحیی برمکی، عباسیان، وزارت.

مقدمه:

وزارت از مناصب مهم درباری بوده و در صدر دیوانسالاری به عنوان واسطه بین پادشاه و زیردستان او قرار داشت. ریاست دیوان بر عهده او بوده و جایگاه او بعد از پادشاه در مقام دوم در دربار یک قلمرو قرار داشت. قرار گرفتن بین پادشاه و رعیت از یک طرف و توجه نمودن به اوضاع سپاه و روابط با دشمنان از طرف دیگر باعث سنگین بودن بیش از حد این مقام می‌شد. با وجود این وزرا برای حفظ جایگاه خویش باید در روابط خود با رقبای درباری نیز بسیار مواظب می‌بودند و خود را از دسیسه‌های دشمنان داخلی حفظ می‌کردند. علاوه بر آثار تاریخی که در خلال مسائل سیاسی به زندگی وزرا اشاره دارند، کتاب‌هایی با عناوین مختلفی مانند سیاست‌نامه‌ها، آداب‌الملوک‌ها، نصیحه‌الملوک‌ها، دستورالوزراها که به زندگی سیاسی و اخلاقی وزرا اشاراتی دارند، کتاب‌ها و مقاله‌های جدید تحقیقاتی در رابطه با فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی و خدمات ایرانیان به جهان اسلام، به مقام و جایگاه وزرای ایرانی در دربارهای خلفای عباسی و حکومت‌های محلی ایرانی و همچنین به وزارت و زندگی سیاسی و اخلاقی وزرای بزرگ پرداخته‌اند اما هیچ‌کدام از این آثار به شورت تخصصی و با در نظر گرفتن همه جوانب درباره جایگاه وزیری مانند یحیی برمکی و خصوصیات اخلاقی و سیاسی او نپرداخته است. البته به‌طور اختصاصی درباره برمکیان آثار تحقیقاتی جدیدی مانند کتاب‌های: "برمکیان؛ بنابر روایات مورخین عرب و ایرانی" اثر لوسین بوووا، "تاریخ برمکیان" گردآورنده سیدصادق سجادی و همچنین مقاله‌هایی مانند: "برامکه" به قلم عباس پرویز، "برامکه و عوامل نزاع دیوانسالاران ایرانی و عرب در عهد هارون عباسی" نوشته امیر اکبری، "خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان" نوشته و.و. بارتولد و ... نوشته شده است اما تا به حال نیز هیچ‌کدام از این آثار به صورت تخصصی تنها به احوال یحیی برمکی نپرداخته‌اند. هدف و ضرورت از این تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است، بررسی جایگاه وزارت یحیی برمکی در دستگاه خلافت عباسی بوده و در پی پاسخگویی به این سؤال: مقام و جایگاه یحیی برمکی از نظر سیاسی و اخلاقی چگونه با تکیه بر متون تاریخی، سیاست‌نامه‌ها، دستورالوزراها و ... چگونه توجیه شده است؟ به نظر می‌رسد که این آثار با اشاره به زندگی سیاسی و اخلاقی بسیاری از وزرا در تاریخ ایران و اسلام از عهد

باستان به بعد اخلاق سیاسی و جایگاه و منزلت همه وزرای نام آشنا در خلافت و حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل در ایران بعد از اسلام را مد نظر قرار داده است اما در این میان جایگاه یحیی برمکی دارای برجستگی خاصی است که با وجود درایت خود و پسرانش توانست خلافت عباسی و دستگاه دیوانسالاری آن را به اوج مقام و منزلت خویش برساند.

جایگاه وزارت در ایران و اسلام با تکیه بر وزارت در دوران بنی‌عباس

متصدی این شغل را با اختلاف زبان فارسی یا عربی خواجه بزرگ یا صدر یا دستور یا وزیر می‌گفتند و این عالی‌ترین مقامات دولتی بود. (اقبال، ۱۳۸۴: ۲۲) در میان خاور زمین چه در ایران و چه در هند و چه دیگر ممالک همواره میان شاه و وزیر کشمکش واقع می‌شد. شاهی و وزارت هر دو مقام شامخی بودند که بسا اوقات به دردسر یا ترک سر به انجام می‌رسیدند. محبوبیت و استعداد وزیر و بدگویی دشمنان او به پادشاه ترساندندش که وزیر جاه‌طلب است و نسبت به او سوء قصد دارد، سرانجام پادشاه را به وحشت می‌انداخت. اگر در حقیقت نیت وزیر بد بود و پادشاه غفلت می‌کرد، وزیر چیره می‌شد و در پرده یا آشکار خلاف او کار می‌کرد و او را از میان برمی‌داشت و اگر اتفاقاً پادشاه بیدار بود، پیشدستی می‌نمود وزیر را خواه مقصر یا بی‌تقصیر تباه می‌کرد. نمونه از هر دو در تاریخ دیده می‌شود. نخستین بار در عصر هخامنشی حاجب یا وزیر دربار که لقب بگا (بغ یا آقا_ خداوند) داشت. (مهرین، ۱۳۵۲: ۵۵-۵۴) وزیر بزرگ که «هزار بد» لقب داشت و در عهد هخامنشیان، هزار پتی می‌گفتند و پادشاه به دست او امور کشور را تمشیت می‌داد. این نام از طریق اشکانیان به ساسانیان رسید. (ممتحن، ۱۳۷۴: ۱۰) در عصر ساسانیان در رأس امور اداری مملکتی مردی به نام ووزورگ فرامادار، که به زبان پهلوی به معنای فرمانروای بزرگ است، قرار داشت. این شخص تحت نظر شاه اداره‌ی امور کشور را بر عهده داشت و به هنگام سفر یا عزیمت وی به جبهه جنگ، جانشین شاه محسوب می‌شد. این مقام عالی همان منصبی است که بعدها وزیران خلفای بغداد بدان نائل آمدند. کلمه وزیر در میان ملل اسلامی نیز از لفظ فارسی مأخوذ و در اوستا به صورت ویسیرا یعنی کسی که تصمیم می‌گیرد آورده شده است. (ماسه، ۱۳۳۹: ۲۰۰) عده‌ای از محققان بر این باورند که واژه وزیر از واژه فارسی ویچیر (Vičir) یا وچر (به معنای تصمیم، رأی، فتوا، حکم و سندی

حقوقی که متضمن حکم یا فتوایی باشد) گرفته شده است. (یارشاطر، ۱۳۸۱: ۱۰۷) برخی محققان چون دارمستتر این کلمه را با شک و تردید از لغت پهلوی وی_چیر (vi_chir) می‌دانند که از کلمه وی_چیرا (vi_chira) به معنای تصمیم گرفتن مشتق شده است. (بهرامی، ۱۳۵۱: ۱۳۴۹)

لفظ وزیر در میان اعراب پیش از اسلام متداول بود و به معنای یار و یاور بود. دارای دو معنا؛ یکی وزر (با کسر واو و سکون زا) که بار باشد یعنی وزیر بار سنگین سیاست را می‌کشد و یکی وزر (به فتح اول و دوم) که به معنی کوه باشد، زیرا کوه پناهگاه است و وزیر مورد اعتماد سلطان و محل رأی و التجا سلطان است. به دوران عباسیان برای نخستین بار وزارت به وجود آن و از اصطلاح ایرانی گرفته شد. (تحفه، ۱۳۴۱: ۱۰۱؛ ممتحن: ۱۸-۸)

با توجه به این آثار بعد از پادشاه یک فصل یا باب به وزرا و نحوه رفتار و اخلاق آنها اختصاص داده شده است که از جمله این باب نشان دهنده جایگاه رفیع وزیر در اندرزنامه‌هاست. در واقع این مؤلف وجود وزیر را همچون پادشاه لازم و ضروری می‌داند. صاحب تحفه روایت می‌کند: «چه قواعد مملکت به حسن تقریر وزرا ممهّد است و فواید دولت به یمین تدبیرشان منضد و کلک بی قرار گوهر بار وزیر نایب تیغ مریخ آثار ملک تواند بود که "الوزیر عون الامیر، و شریکه فی التدبیر"» (تحفه: ۱۰۰) در ایران اهمیت سیاست در نصیحه‌الملوک‌ها و اندرزنامه‌ها، و تداوم آن از عهد باستان تا معاصر، همیشه دارای جایگاه بلندی بوده است. آثار حکما و علما و سیاستمداران ایرانی که در صورت توصیه نامه‌ها تبلور یافته است به خوبی نشان دهنده این سنت متداوم و پاینده بوده است. از جمله آثار و باب‌هایی این نصیحه‌الملوک‌ها، توجه ویژه‌ای را به آن اختصاص داده‌اند، منصب وزارت است که اهمیت بسیاری در سیاست حکمرانی در سنت ایرانی داشته است. (سپهوند و توانگر، ۱۳۹۴: ۷۳) در واقع حکمت عملی که جایگاه و نشیمن و هم‌رتبه حکمت نظری است نه تنها در ارزش معنوی از آن کاستی ندارد بلکه فزونی شایان توجهی هم دارد. کتبی که در این بخش یشته شد، استقراء حکم می‌توان کرد که بیش از متون فلسفه نظری است. چون در عمل و کار زندگی بیشتر مورد اتفاق بوده، رعایت قوانین حکمت عملی بسیار زیاد مطمح نظر قرار داشته و هم دارد. حکمت عملی به سه بخش تقسیم می‌شود: ۱_ تدبیر نفس یا رعایت وظایفی که هر

فردی با خودش و سایر افراد داشته، به عبارت دیگر حدود شخصیت و تهذیب نفس خویش را حفظ کند، ۲_ تدبیر شخصی در کانون خانواده به اصطلاح تدبیر منزل که در این بخش روابط بین افراد محدودی در محیط کوچکی به نام خانه و منزل مورد نظر است، ۳_ تدبیر جامعه یا سیاست مدن که تنظیم حکیمانه‌ی قوانین جامعه است. اینجاست که وجود وزیر با تدبیر و خردمند بسیار ضروری می‌باشد تا در پرتو آرای تابناک سلطان عصر، امور سیاسی و اجتماعی را به نحو مطلوب سروسامان بخشد و امنیت و رفاه زندگی را برقرار ساخته و آرامش خاطر افراد آن جامعه را فراهم سازد. (واعظ جوادی، ۱۳۴۵، مقدمه: ۵)

اشارات سیاسی در باب منصب و جایگاه وزیر در این آثار که هر کدام از متخصصان در امور سیاسی و اخلاقی یک کتاب یا یک باب یا اشاراتی را به شخصیت وزیر و جایگاه وزارت اختصاص داده‌اند مورد اهمیت و توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. در واقع این مؤلفان تأکید و لزوم وجود وزیر را در قرونی که می‌زیستند به صورت پند و اندرز که حاصل تجربه‌های آنها بود بر پادشاهان و وزرا عرضه می‌داشتند. (شاهین و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹) در باب اداره مملکت وزیر نقش ویژه و اساسی داشت و در واقع اینجاست که وزیر با تدبیر و خردمند بسیار ضروری می‌باشد تا در پرتو آرای تابناک سلطان عصر، امور اجتماعی را به نحو مطلوب سروسامان بخشد، امنیت و رفاه زندگی را برقرار ساخته و آرامش خاطر افراد آن جامعه را فراهم سازد. (واعظ استرآبادی: همان‌جا) آثار حکما و علما و سیاستمداران ایرانی که در صورت توصیه‌نامه‌ها تبلور یافته است به خوبی نشان دهنده این سنت متداوم و پاینده بوده است. از جمله آثار و باب‌هایی از کتب سیاسی، توجه ویژه‌ای را به آن اختصاص داده‌اند، منصب وزارت است که اهمیت بسیاری در سیاست حکمرانی پادشاهان داشته است. (سپهوند و توانگر: ۷۳)

وزیر بعد از پادشاه مهم‌ترین شخصیت سیاسی ممالک پادشاهی بود که نقش بسیاری در تصمیمات و تحولات مملکت تحت قلمرو پادشاه داشت. (شاهین و دیگران: ۲) از آنجا که دستورالوزراها نیز در زیرمجموعه کتب پند و اندرزنامه نویسی بودند می‌توان گفت توجه به اندرز و اندرزگویی در ایران قدمتی به درازای تاریخ دارد، به طوری که در میان قدیمی‌ترین آثار باقی‌مانده از ایران باستان، می‌توان شاهد حضور پندها و اندرزها بود. این سنت در دوران اسلامی هم ادامه یافته و به موجودیت خود تا روزگار ما ادامه داده است و در این مسیر طولانی

بسیاری از ادیبان و بزرگان ایرانی بدان روی آورده و در این زمینه آثاری گرانقدر از خود به یادگار نهاده‌اند. (خوئینی و رحمتیان، ۱۳۹۵: ۱۱۵) در ادامه به بررسی دو اثر مورد بحث می‌پردازیم و سپس جایگاه وزارت از دیدگاه مؤلفان آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یکی از منصب‌هایی که در عصر خلفای عباسی برای نخستین بار در اسلام به وجود آمد منصب وزارت است. پیدایش این منصب نتیجه بسط و توسعه امر دیوان‌ها و پیشرفت کار آنها بوده است. در واقع تراکم امور در این دیوان‌ها باعث گردید تا خلفا منصب وزارت را برای اشراف بر امور دیوان‌ها و اداره امور آنها را به وجود آورند. (محمدی، ۱۳۷۴: ۹۱) وزارت رکن مهم نظام دیوان‌سالاری و سرپرست آن یعنی وزیر، عقل منفصل حکومت و منشأ حکمت و خردمندی در رأس حاکمیت محسوب می‌شد. در تاریخ ایران، نهاد وزارت بر دوش نزدیک‌ترین فرد به شاه، سلطان و یا خلیفه بوده است. (رستمی و فرهانی‌منفرد، ۱۳۹۱: ۷ و ۱۵)

در واقع وزارت از مناصب نظام ایرانی قدیم است که بعد از پیروزی سپاهیان عباسی بر امویان و قبل از بیعت با ابوالعباس (سفاح) به عنوان خلیفه، به کار گرفته شد و هنگامی که ابوالعباس نظام وزارت را پذیرفت، به تحول حکومت و گرایش آن به عدم تمرکزگرایی و توزیع قدرت احترام گذاشت. این کار به تشویق ایرانی‌ها و تأثیر خراسانی‌ها انجام شد؛ زیرا آنها ابوسلمه‌ی خلال را "وزیر آل محمد" خواندند و ابوالعباس او را پذیرفت. منصب وزارت در عصر اول عباسی بسیار مهم شمرده می‌شد، به لحاظ اهمیت؛ وزارت پس از خلافت مهم‌ترین منصب حکومتی بود و به لحاظ حساس بودن، وزیران در همه‌ی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اداری و فکری نشانه‌هایی آشکار بر جای گذاشتند. برخی وزیران از این مقام برای خدمت به اهداف سیاسی و قومی مخالف با سیاست حکومت عباسی استفاده کردند، به ویژه که بیشتر آنها در این دوره ایرانی بودند. (طوقوش، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۷) در دوره امویان کسی منصب وزارت نداشت و خلفا با نزدیکان خویش مشورت می‌کردند (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۹۷-۹۶)

وزارت یحیی برمکی در دوره عباسیان

برمکیان از جمله وزرای معروف ایرانی در دربار خلافت عباسیان از عهد منصور تا زمان عهد هارون بودند که در شیوه وزارت و بخشش و کاردانی و تدبیر شهره خاص و عام بودند. آنها

در سمت‌های مختلف در دیوان‌های عهد عباسی در آغاز تأسیس خلافت عباسی تا زمان برانداخته شدن توسط هارون در اوج شهرت بودند. به نوشته نخجوانی: «بنو برمک همه گبر بودند و چون مسلمان شدند در مسلمانی مرتبه ایشان بزرگ شد و کارهای گران از ایشان صادر می‌شد و خدمت خلفا کردند. دولت برمکی دولتی بود آراسته به مکارم و فضایل و احسان و تدین و محبت علوم و تربیت افاضل و اغاثت مظلومان و عمارت عالم و ترتیب کارها بر قانون واجب و تعظیم ارباب صلاح و توفیر ایشان و تحمل امور شرع و قهر ظلمه و بدکرداران و در همه فضایل خاصه کرم مثل به ایشان زدندی ...» (نخجوانی: ۱۰۳-۱۰۲ و ۱۴۲)

برمکیان خاندان ایرانی بودند که نخستین وزیران ایرانی خلافت از میان آنها برخاستند. (بارتولد، ۱۳۷۷: ۱۲۳) به نظر می‌رسد نخستین کس که از خاندان برمکیان به وزارت رسید، جعفر برمکی بود. در واقع آخرین برمک که خاندان برامکه به او منسوب است، نامش جعفر متولد ۱۴۹ ق. و متوفی به سال ۱۸۷ ق. بوده است. (لغت‌نامه دهخدا، ذیل آل برمک) جعفر در زمان عبدالملک بن مروان و به روایتی در زمان سلطنت سلیمان بن عبدالملک با اموال و اسباب نامحصور بدارالملک دمشق آمد و بعد از کسب اعتماد از سوی خلیفه باعث شد که خلیفه وزارت خود را به او تفویض کند. (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲۵۳/۱) چنانچه خواندمیر نیز اشاره داد که بعد از این واقعه: «برمک و اولاد امجاد او در ایام دولت بنی‌امیه معزز و محترم روزگار می‌گذرانیدند و چون بساط حکومت آن طایفه به مقتضای «*أُوتِيَ الْمُلُوكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنَزَّعُ الْمُلُوكَ مِمَّنْ تَشَاءُ*» در نوردیده شد و عباسیان فرمانفرمای جهانیان گشتند ایضاً آل برمک را منظور نظر شفقت و اعتبار گردانیدند». (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۷) بعد از جعفر خالد یکی از افراد برجسته خاندان برمک که مذهب دیرین خود را ترک گفته بود، به آیین اسلام گروید و منشی و کاتب ابومسلم گردید و سپس با همین سمت در دربار منصور به خدمت مشغول شد. (قدیانی، ۱۳۸۷: ۱۸۲/۱) در واقع وی به وزارت منصور منصوب شد و فرزندان وی مهم‌ترین مشاغل دربار خلافت را عهده دار شدند. (بووا، ۱۳۳۶: ۳) چنانچه خواندمیر اشاره دارد: «سفاح وزارت خویش به او داد و به اکرام و تعظیم مخصوص گردانید و محبت او در دل گرفت و خالد را وزیر می‌گفتند. و بعضی گویند بعد از ابوسلمه وزرا نخواستند که کسی ایشان را وزیر گوید و خالد برمک کار وزرا می‌کرد اما او را وزیر نمی‌گفتند». (نخجوانی: ۱۰۱-۱۰۰) طبق اشاره «خالد بن برمک مردی با سخاوت و

بزرگوار، ثروتمند و نجیب و بسیار نیکوکار بود». (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۱۹۵) در زمان خلافت منصور خالد همچنان مورد اعتنا و طرف شور خلیفه منصور بود: «و چون خلافت به منصور رسید خالد را بزرگ می‌داشت و در کارها با او مشورت می‌کرد». (نخجوانی: ۱۰۲) خالد تا زمان مرگ خویش از عزت و احترام برخوردار بود.

یحیی پسر وی خالد، از جمله مشاهیر خاندان برمکی بود که در محرم سال ۱۹۰ ق. متولد شد. وی در زمان هارون به وزارت او منصوب شد. (بارتولد: ۱۲۷) زمانی که خلافت به هارون رسید، منصب وزارت را به یحیی بن خالد داده و کار همه امور را به او تفویض کرد و "او آن مصالح با رونقی تمام می‌ساخت و خلل‌ها را تدارک می‌کرد و اعمال را معمور می‌داشت". (نخجوانی: ۱۴۴؛ بووا: ۶۳) یحیی در سال ۱۵۸ ق. به حکومت آذربایجان و ارمنستان منصوب شد و بعد از آن از طرف خلیفه، مهدی مری و معلم فرزندش، هارون شد و مدت چهار یا پنج سال عهده‌دار تربیت او بود. یحیی در سال ۱۶۲ ق. مباشرت دیوان جیش را بر عهده داشته و هم رییس دیوان رسالت بود. در همان سال ۱۶۲ ق. هارون به حکومت تمامی مغرب و آذربایجان منصوب شد و یحیی برمکی نیز به ریاست دیوان رسالت او منصوب گشت. (بووا: ۶۴-۶۳) چنانچه جهشیاری هم اشاره دارد: «چون هارون زمام خلافت را به دست گرفت یحیی بن خالد را خواست. او یحیی را پدر می‌خواند و از این رو وی را در جریان امر خلافت گذاشت و گفت: پدر تو از برکت رأی و حسن تدبیر خود مرا بر این جایگاه نشاندی، من کار رعایا را به تو واگذار کردم و آن را از دوش خود برداشته بر گردن تو نهادم، هر قسم که لازم می‌دانی حکم بکن و هر کس را که می‌خواهی برگزین و هر که را بخواهی از کار برکنار بکن، به هر کس که می‌دانی همراهی بکن و هر که را صلاح می‌دانی بیرون بکن، من در هیچ کار تو نظارت نمی‌کنم. (جهشیاری: ۲۲۸)

یحیی در رساندن هارون به خلافت نهایت فداکاری و سعی به خرج داد و قریب به یقین است که اگر یحیی نبود هارون بخلافت نمی‌رسید چه هادی می‌خواست پسر خود جعفر را جانشین خویش قرار دهد و هارون را از ولیعهدی خلع کند و حاضر شد که ۲۰۰۰۰ دینار به یحیی بدهد لیکن یحیی زیربار نرفت و بانواع تدابیر هادی را منصرف ساخت و هارون پس از وصول به خلافت مکرر از یحیی تشکر می‌کرد. (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۰: ۹۳-۹۲) نخجوانی نیز سبب به

وزارت رسیدن یحیی بن خالد برمکی را که کاتب هارون قبل از خلافت بود، به دلیل این می‌داند که هادی در دوران خلافت قصد داشت که هارون را از ولایت‌عهدی خلع کند و یحیی مانع شد و "عظمت خلافت را وصف کرد" به این دلیل هارون بعد از رسیدن به خلافت یحیی را که دارای عقل و کفایت بود به عنوان وزیر برگزید. (نخجوانی: ۱۴۴-۱۴۳) به طور کلی در میان برمکیان قدرت و اختیارات یحیی بیشتر از سایرین بود. در اوایل خلافت هارون قدرت خلافت بین مادر هارون، خیزران، و یحیی برمکی تقسیم شده بود که با مرگ اولی در سال ۱۷۳ ق. یحیی قدرت را دست‌درست گرفت. البته نباید فراموش کرد که خیزران نهایت محبت را در حق برمکیان مبذول می‌داشت. (بووا: ۷۰ و ۱۷۸) بدین‌گونه یحیی با آن کفایت و کاردانی که پیش‌تر از خود نشان داده بود رشته کارها را در دست گرفت و کارگزاران مورد اعتماد خویش را شغل‌ها داد و قدرت و سطوت وزارت و حشمت و شوکت خلافت را به اوج خود رسانید. (سجادی: ۶۲-۶۱) هارون، یحیی برمکی را در تمام کارهای مملکت فرمانروا ساخت. چنانچه کار یحیی در دولت هارون به مرتبه‌ای رسید که وزارت در چشمش حقیر بود و ۱۷ سال در دولت هارون کار برامکه دارای درجه عالی بود و به‌ویژه یحیی از فکر و تدبیر بهره‌ای تمام داشت. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۳۰۳؛ زیدان، ۱۳۳۶: ۲۵۰/۱) در واقع یحیی تنها لقب و منصب وزارت نداشت بلکه لقب امیر و منصب امارت نیز داشت و اولین "امیر وزیر" بود باید مربوط به همین دوران باشد که خاتم خلافت نیز در اختیار او بود. (سجادی: ۶۱) در زمان خلافت هارون، یحیی برمکی نخستین وزیری بود که به‌جای خلیفه، امضای فرمان‌ها و نامه‌ها نیز به او واگذار شد. پس از یحیی برمکی بود که سایر وزیران نیز این مقام را احراز کردند. (زیدان: همان‌جا) به‌طور کلی درخشان‌ترین دوران خلافت عباسی زمانی آغاز شد که یحیی برمکی زمام امور را در دست گرفت. (بهرامی، ۱۳۵۶: ۱۴۴) بعد از آنکه هارون بر یحیی برمکی خشم گرفت و او را زندانی ساخته بود، وی در سال ۱۹۰ ق. در زندان هارون در حالی که به سختی بیمار گشته بود در سن ۷۴ سالگی درگذشت. (پرویز، ۱۳۴۶: ۱۲۷؛ بارتولد: ۱۲۷) با وجود خدمات بسیاری که برمکیان برای دستگاه خلافت عباسی انجام دادند و مکارم و سجایای اخلاقی و سیاسی که آنها داشتند، سرانجام برمکیان مورد خشم هارون‌الرشید قرار

گرفتند. عواملی چند موجب سقوط آنها شد که به طور خلاصه چند مورد را نام می‌بریم. از جمله نخجوانی برای قتل عام برامکه توسط هارون الرشید سه دلیل را ذکر می‌کند:

- _ تولد فرزندان پسر از جعفر و عباسه که قرار بر "میان ایشان جز نظر و سخن گفتنی نباشد" بود.
- _ عدم قتل یک علوی توسط جعفر که هارون به او سپرده بود که به قتل برساند.
- _ بدگویی فضل بن ربیع و دیگر دشمنان برامکه از آنها نزد هارون الرشید.
- _ غرور جعفر و فضل برمکی به مال و جاه که "نفس ملوک این معنی تحمل نکند".

(نخجوانی: ۱۵۲-۱۵۱)

طقوش اقدام هارون برای برانداختن برمکیان را دو انگیزه: **سیاسی**؛ خطر واقعی برای حکومت او، تمایل سیاسی به علویان، تمایلات ایرانی داشتن و **مالی**؛ استبداد آنها در امور مالی، اسراف در هزینه‌ها با وجود تنگنای مالی خلیفه، میداند. (طقوش: ۹۷-۹۶)

ویژگی‌های شخصیت و اقدامات یحیی برمکی

وزارت از مناصب پر اهمیت در امور حکومتی و سیاسی در ایران و اسلام بوده است. در واقع تمام امورات سیاسی، اجتماعی، دینی، اقتصادی، فرهنگی و ... به وزیر ختم می‌شد. آبادانی و خرابی مملکت، قدرت و ضعف پادشاهان و خلفا بستگی به کارکرد وزیر در رأس سیستم حکومتی داشت. (سپهوند و توانگر رنجبر: ۶۲) به همین علت باید وزرا از میان افراد برجسته انتخاب می‌شدند دارای صفات متعالی چون پاکدامنی، سخاوت، همت، کرم، بزرگی و ... و همچنین تخصص‌های لازم در امر وزارت می‌بودند و بعد از آن این اقدام‌ها و عملکرد آنها و پیامدهای آن بود که باعث شهرت وزرای صاحب نام می‌شد. در واقع اعتبار علمی و اجتماعی برمکیان چنان بود که باعث خشم و رشک اعراب شده بود. (اکبری، ۱۳۸۶: ۲۵) در خصوص یحیی برمکی نیز چنین بود، در ذیل به خصوصیات رفتاری و کرداری و همچنین اقدامات او در راستای ارتقای خلافت عباسی اشاره می‌نماییم:

- **گذشت و مهربانی:** استرآبادی به ذکر داستانی از برخورد و گذشت و مهربانی خالد برمکی پرداخته است که با سفارش امام جعفر صادق (ع) با جد حسن بن یقظین رفتار نیکی داشته است و آن حضرت از او راضی شده است. (واعظ استرآبادی: ۴۸-۴۶) در واقع با گذشت

و مهربانی برمکیان بود که تعصب خشک عربی و ستم‌های روزگار امویان از یاد برده شد. (زیدان: ۱۶۶/۴)

- **سخاوت و همت و کرم و بزرگی:** برمکیان به‌ویژه یحیی بن خالد مردمانی با جود و سخاوت بودند، چنانچه خلفا نیز در جود و کرم از آنها نأسی کردند و بر سخاوت خویش افزودند. برمکیان از زمان خردسالی؛ خلفای عباسی را به سخاوت و کرم تشویق می‌کردند. (زیدان: ۱۲۶/۲؛ بووا: ۷۸) در کتاب تحفه نیز به سخاوت و بخشش یحیی برمکی اشاره شده است. (تحفه: ۱۰۵) عزالی نیز در اثر خویش، نصیحه‌الملوک، در چند جای به همت و کرم یحیی برمکی اشاره دارد. (عزالی، ۱۳۵۱: ۲۰۱ و ۲۰۶ و ۲۱۰)

- **پاکدامنی:** وزرا باید از هر نظر سرآمد اقران می‌بودند تا به‌عنوان یک الگو شناخته می‌شدند و یحیی برمکی دارای این طبع بود. (بووا: ۷۹) وی نهاد و طینتی پاک عاری از شائبه بخل و حسد داشت و با دشمنان خویش کینه نمی‌ورزید. (پرویز: ۱۱۸)

- **داشتن اولاد نیکو و کارآمد:** یکی دیگر از ویژگی‌های خوب یحیی برمکی داشتن اولاد معروف و مشهور بود، چنانچه خواندمیر اشاره می‌کند: «رتق و فتق و حل و عقد و قبض و بسط امور و مهمات اکثر معموره ربع مسکون متعلق به رأی صائب یحیی و اولاد امجدش بود و فضل و جعفر از سایر اخوان به مزید نیابت و تقرب اختصاص یافته در بذل اموال و ایثار درم و دینار ید بیضا می‌نمودند». (خواندمیر: ۴۱) در ذیل به معرفی مختصر هر کدام از پسران یحیی برمکی اشاره می‌کنیم:

جعفر بن یحیی؛ جعفر همنشین خلیفه و مورد اعتماد وی بود. (اکبری: ۲۵) طبق اشاره خواندمیر: «جعفر مردی فصیح و بلیغ و زیرک و کریم و حلیم بود و ماهر در کتابت و رشید را انس با جعفر بیش از آن بود که با فضل به سبب آنکه جعفر خوش‌خوی بود و فضل درشت‌خوی». (نخجوانی: ۱۴۶) جعفر بن یحیی با وجود اوصاف خوبی که داشت در امور تخصصی چون صنعت کتابت و در امور تدبیر ملک در فصاحت رایت «أنا و لا غیر» برافراشته بود. (خواندمیر:

فضل بن یحیی؛ فضل با سیرت نیکوی خود توانسته بود اعتبار بسیاری کسب نماید. (اکبری: ۲۵) طبق اشاره «فضل از کریمان جهان بود و به فصاحت و بلاغت سرآمد اقران، مادر هارون- الرشید او را شیر داد و مادر او هارون را ...» یا به روایتی دیگر: «مادر یحیی بن خالد خواهر رضاعی ریطه بود دختر سفاح، چه زن خالد برمک و زن سفاح هر دو همشیره بودند». (نخجوانی: ۱۰۳-۱۰۲ و ۱۴۲ و ۱۴۸) به نوشته خواندمیر: «فضل بن یحیی به صفت جود و سخا و احیای مراسم انصاف اتصاف داشت». (خواندمیر: ۴۱) در کتاب تحفه درباره فضل بن یحیی چنین آمده است: «و فضل در فضل و شجاعت یگانه‌ی روزگار و مبارز روز کار بود و در فصاحت و کرم نادره‌ی دوران و سرآمده‌ی اقران. منهل عذب عدل و رافت او مورد ضمان گشته و کف رادش اذاق جهانیان را ضمان کرد». (تحفه: ۱۰۵) وی دارای دو پسر به نام‌های عباس و عبدالله بود که هر دو توسط مأمون به امارت و مقامات عالیه رسیدند. (پرویز: ۱۲۰) فضل در سال ۹۳ ق. در سن ۴۵ سالگی در زندان هارون درگذشت. (همان: ۱۲۷)

محمد بن یحیی؛ وی در دربار هارون مقام ارجمندی داشت و هارون به او التفات تمام داشت در واقع وی جز ندمای خلیفه بود. (بووا: ۷۱؛ پرویز: ۱۲۳) محمد برمکی نیز خصایص برادران و پدر و اجداد خویش را دارا بود به نوشته خواندمیر: «به علو همت موصوف بود». (خواندمیر: ۴۱) موسی بن یحیی؛ وی نیز مانند برادران و پدر و اجداد خویش دارای صفات عالیه بود، چنانچه: «در شجاعت گوی مسابقت از امثال و اقران در ربود». (خواندمیر: ۴۱) موسی همچنین از امرای بزرگ عباسی از خاندان برمکی بود.

- **کتابت و بلاغت:** از خصوصیات یحیی: «و یحیی کاتب و بلیغ و ادیب و صاحب رأی و کریم و حلیم و با عفت و وقار بود و هیبت و بقیه کمالات در او جمع آمده». (نخجوانی: ۱۴۴)

- **نظارت بر مظالم کارگزاران:** برمکیان و به ویژه یحیی بن خالد شخصاً در این نظارت شرکت داشت و طرف شور خلیفه، هارون بود. چنانچه وی مخالف حکومت علی بن عیسی بر خراسان بود زیرا این حاکم اموال مردم را به زور می گرفت. (زیدان: ۱۹۹/۲-۱۹۸)

- **اجرای مقدمات کیسه یا تخفیف سالانه:** توضیح آنکه ایرانیان در آغاز نوزدهم مالیت می پرداختند و آن موقع نوزدهم آنها در پنجم تیرماه واقع می شد و در هر ۱۲۰ سال، یک ماه آن

را عقب می‌انداختند تا به پنجم تیرماه می‌رسید و همین که تیرماه می‌آمد، پنجم تیرماه را به پنجم خرداد تبدیل می‌کردند و مالیات آن سال را به جای اینکه در پنجم خرداد بگیرند، در پنجم تیرماه پرداخت می‌شد و به این ترتیب مالیات یک ماه از بین می‌رفت. با فتح عراق توسط مسلمانان در زمان خلافت هشام بن عبدالملک اموی و امارت خالد قسری بر عراق موعده ۱۲۰ سال رسید و ایرانیان تقاضا داشتند که یک ماه تخفیف معمولی آنها اعمال شود تقاضای آنها پذیرفته نشد و ایرانی‌ها بدون تخفیف مالیات را پرداختند. (زیدان: ۱۴۵/۲) ابوریحان بیرونی هم در این خصوص اشاره دارد: «ایرانیان وقتی سال‌های خود را کیسه می‌کردن، فصول چهارگانه را با ماه‌های خود علامت می‌گذاشتند زیرا این دو به هم نزدیک بودند و فروردین ماه اول تابستان و تیرماه اول پاییز و مهرماه اول زمستان و دی ماه اول بهار بود و روزهای خاص در این فصول داشتند که بر حسب فصول چهارگانه می‌بستند و چون کیسه به هم خورد اوقات آنها به هم خورد». (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۲۴) پس از سقوط بنی‌امیه و پیدایش دولت عباسیان، در زمان خلافت هارون ایرانیان به یحیی برمکی متوسل شدند که کیسه یا تخفیف سالانه رعایت شود. یحیی هم مقدمات کار را فراهم نمود اما عرب‌ها و مخالفین یحیی جاروجنجال راه انداختند که کیسه عادت زردشتیان است و خلیفه اسلام نباید آن را اجرا نماید و این کار انجام نشد تا اینکه در زمان متوکل این امر صورت عمل به خود گرفت. (زیدان: ۱۴۵/۲)

- **برپایی نهضت علمی و ادبی:** برمکیان، خاندان وزارت و دیوانسالاری، نه تنها در سیاست و ملکداری و اداره آن قلمرو عظیم و اساساً در تکوین مفهوم و مصداق دولت و حکومت نقشی یگانه داشتند، بلکه در فراخنای علم و ادب نیز خویشتن را چنان نمودند که در بسیاری از زمینه‌ها باید کوشش‌های آنان را طلیعه شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون بعد دانست. نقش و تأثیر برمکیان در سیاست و ادب و علم و هنر این عصر چندان آشکار و عمیق است که گزاف نیست اگر آنرا «قرن برمکیان» بنامیم. (سجادی: ۱۰۶؛ اکبری: ۲۸) یکی از مهمترین زمینه‌هایی که برمکیان در آن نقش و تأثیر بسیار داشتند، پهنه ادب است: ادبیاتی که درباره ایشان پدید آمد، یا آنچه که خود به عنوان دیوانیان ادیب و ادب‌پرور و شاعر و سخنور پدید آوردند یا مشوق ایجاد آن بودند. یحیی برمکی انجمنی ادبی ایجاد کرد و آنرا "دیوان-الشعرا" نام نهاد و ابان بن عبد الحمید لاحقی را بر آن ریاست داد. او منظومه‌هایی را که شاعران

بدین انجمن می‌فرستادند بررسی می‌کرد و نغزترین آنها را نامزد جایزه می‌گردانید. نیز هرگاه سخنی نغز یا حکمت‌آموز می‌شنید آنرا می‌نوشت یا فرزندان را می‌گفت تا آنرا یاد گیرند و ثبت کنند. یحیی برمکی به مباحث نحوی نیز علاقه خاص داشت. گفته‌اند چون سیویه به عراق آمد یحیی مجلسی ترتیب داد و کسایی و اخفش را نیز فراخواند و در میانه مناظراتی افکند. (سجادی: ۱۰۶؛ پرویز: ۱۱۹)

- **تأسیس کتابخانه:** در همین روزگار وزارت برامکه و به دست یحیی برمکی هسته اصلی و بنیاد کتابخانه بزرگی در بغداد با نام خزانه‌الحکمه یا بیت‌الحکمه نام گرفت درست کردند که محل اجتماع این فرق و ملل شد و برامکه ایشان را با صرف مبالغ گزاف به ترجمه و تألیف و استنساخ کتب و امیداشتند و ریاست این کتابخانه غالباً با ایرانیان شعوبی بود. (پیرنیا و اقبال: ۹۳؛ سجادی: ۱۱)

- **امور عمرانی:** برمکیان به کارهای عمرانی از جمله ساختن قصر علاقه داشتند، یحیی برمکی قصری باشکوه ساخت و نام فروتنانه قصرالطین بر آن نهاد. جعفر قصر عظیم و مجللی در پایین بغداد شرقی ساخت که بعدها به مأمون داده شد. (الدوری، ۱۳۷۵: ۱۶) چنانچه لوسین بووا هم اشاره دارد که دوران حضارت و تمدن و عمران و آبادانی با وزارت یحیی برمکی آغاز گشت. (بووا: ۶۸)

- **خدمات نجومی:** برمکیان و دیگر وزرای ایرانی در تشویق خلفا به فعالیت‌های علمی نقش مهمی ایفا می‌کردند. از جمله اقدامات آنها خدمات علمی در حیطه نجوم بود. منجمان که در دربار ساسانیان شناخته شده بودند، به دوران امویان نامی از آنها نیست و کلمه منجم را در اشعار پیش از سال ۱۳۲ هجری قمری نمی‌توان یافت. (قرچانلو، ۱۳۸۰: ۱۶/۱) علم اخترشناسی در خاندان برمکی موروثی بود و یحیی از آن اطلاع کافی داشت. (اکبری: ۲۸) یحیی، چنانکه مشهورست، در نجوم دستی قوی داشت. گفته‌اند همه ساله منجمان به خدمت او گرد می‌آمدند و به استخراج احکام آن سال و وقایعی که رخ خواهد داد می‌پرداختند. شعر یکی از شاعران که پس از قتل جعفر بر یحیی طعنه زده که به رغم اطلاع و اعتقادش به علم احکام نجوم، نتوانسته قتل فرزند را پیش‌بینی کند و نیز انتخاب ساعت سفر توسط جعفر دو روز پیش از قتل، حاکی از همین معنی است. در نهضت ترجمه نیز آثار نجومی جایگاه مهمی داشته است؛

چنانکه زیج بطلمیوس را ایوب و سمعان به دستور محمد بن خالد بن برمک و برای او ترجمه و شرح کردند. خاندان نوبختی و عمر بن فرخان طبری از جمله منجمانی بودند که با تشویق و حمایت یحیی به کار ترجمه اشتغال داشتند. این ابو حفص عمر بن فرخان بر چهار مقاله بطلمیوس تفسیری نوشت و کتاب المحاسن را تألیف کرد. پسر او ابو بکر محمد بن عمر نیز از مشاهیر منجمان و مؤلفان این فن بود. (سجادی: ۱۱۴)

نتیجه گیری

در بسیاری از آثار مورخان و اندیشمندان سیاسی از یحیی برمکی از وزرای معروف بنی عباس با عنوان یک وزیر برجسته و تمام عیار یاد شده که در دوره خلافت هارون دارای جایگاه ممتازی بود که دولت عباسی را به اوج قدرت خویش رساند. برمکیان از جمله وزرای معروف ایرانی در دربار خلافت عباسیان از عهد منصور تا زمان عهد هارون بودند که در شیوه وزارت و بخشش و کاردانی و تدبیر شهره خاص و عام بودند. یحیی در رساندن هارون به خلافت نهایت فداکاری و سعی به خرج داد و قریب به یقین است که اگر یحیی نبود هارون بخلاف نمی‌رسید چه هادی می‌خواست پسر خود جعفر را جانشین خویش قرار دهد و هارون را از ولیعهدی خلع کند. هارون، یحیی برمکی را در تمام کارهای مملکت فرمانروا ساخت. چنانچه کار یحیی در دولت هارون به مرتبه‌ای رسید که وزارت در چشمش حقیر بود و ۱۷ سال در دولت هارون کار برامکه دارای درجه عالی بود. سرانجام یحیی برمکی از منصب خود کنار گذاشته شد و زندانی شده و بعد از چندی درگذشت. یحیی برمکی در راستای ارتقای خلافت اقدامات مهمی انجام داد. وی در کتابت و بلاغت تخصص داشت و اقدامات اساسی مانند: نظارت بر مظالم کارگزاران، اجرای مقدمات کیسه یا تخفیف سالانه، برپایی نهضت علمی و ادبی، تأسیس کتابخانه، انجام امور عمرانی، خدمات نجومی، خدمات پزشکی و ... را انجام داده و با این کار به تثبیت و دوام و قوام دولت عباسی و رفاه خلق کمک بسیار رساند.

منابع:

- __ اقبال آشتیانی، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی؛ از تاریخ تشکیل این سلسله تا مرگ سلطان سنجر (۵۵۲-۴۳۲)، به کوشش محمدتقی دانش پژوه و یحیی ذکاء، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چاپ دوم.
- __ بارتولد، و.و، خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان، سیروس ایزدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، چاپ دوم.
- __ بدلیسی، امیر شرف‌خان، شرفنامه؛ تاریخ مفصل کردستان، با مقدمه و تعلیقات و فهارس محمد عباسی، تهران، علمی، ۱۳۷۷.
- __ بلعی، ابوعلی، تاریخنامه طبری، جلد چهارم، به تحقیق و تصحیح محمد روشن، تهران، البرز، ۱۳۷۳، چاپ سوم.
- __ بووا، لوسین، برمکیان؛ بنابر روایات مورخان عرب و ایرانی، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
- __ بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹، چاپ ششم.
- __ پرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران، خیام ۱۳۸۰، چاپ نهم.
- __ تحفه؛ در اخلاق و سیاست، به اهتمام محمدتقی دانش پژوه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱.
- __ جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس، کتاب الوزراء والکتاب، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، به تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۸.
- __ خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، دستورالوزراء، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، اقبال، ۱۳۵۵.
- __ دوری، عبدالعزیز، بغداد، چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی، ترجمه اسماعیل دولتشاهی و ایرج پروشانی، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- __ دهخدا، فرهنگ لغت.
- __ زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، جلد یکم و دوم و چهارم، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶.
- __ سجادی، سیدصادق، تاریخ برمکیان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵.

__ طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، چاپ سوم.

__ غزالی طوسی، امام محمد بن محمد بن محمد، نصیحة الملوک، با تصحیح مجدد و حواشی و تعلیقات و مقدمه تازه به خامه جلال‌الدین همایی، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱.

__ قرچانلو، حسین، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، جلد یکم، تهران، سمت، ۱۳۸۵، چاپ دوم.

__ محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، تهران، توس، ۱۳۷۴، چاپ سوم.

__ مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ سوم.

__ ممتحن، حسینعلی، پژوهشی در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

__ منشی کرمانی، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار؛ در تاریخ وزرا، به تصحیح و مقدمه و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.

__ مهرین شوشتری، عباس، تاریخ زبان و ادبیات ایران؛ از زمان طغرل سلجوقی تا عصر هلاکوی چنگیزی، تهران، مانی، ۱۳۵۲.

__ نخجوانی، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی، تجارب السلف، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۴۴، چاپ دوم.

__ واعظ استرآبادی، سلطان حسین، دستورالوزرا، به تصحیح و تعلیق اسماعیل واعظ جوادی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

مقاله‌ها:

__ اکبری، امیر، "برامکه و عوامل نزاع دیوانسالاران ایرانی و عرب در عهد هارون عباسی"، پژوهشنامه تاریخ، سال ۲، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۵-۴۲.

__ بهرامی، اکرم، «خاندان سهل»، مجله وحید، شماره دوازدهم، دوره ۱۰، سال ۱۲، اسفند ۱۳۵۱، صص ۱۳۴۵-۱۳۵۴.

__ پرویز، عباس، "برامکه"، بررسی‌های تاریخی، دی ۱۳۴۶، شماره ۱۱، صص ۱۳۲-۱۱۱.

__ خوئینی، عصمت و سجاد رحمتیان، "بررسی مأخذ برخی از اندرزه‌های شاهنامه" فصلنامه علمی-پژوهشی متن‌شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره‌ی جدید، شماره یک، (پیاپی ۲۵) بهار ۱۳۹۴، صص ۱۳۶-۱۱۵.

- __ رستمی، فاطمه و مهدی فرهانی منفرد، "بررسی شاخص‌های گفتمان وزارت محور در قرون میانه‌ی ایران تا روی کار آمدن تیموریان"، فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۲۲، دفتر اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۷-۶.
- __ سپهوند، اسماعیل و پگاه توانگر رنجبر، "بررسی جایگاه وزارت و اهمیت آن در ایران در قرن پنجم هجری با تکیه بر قابوس‌نامه"، فصلنامه پارسوا، سال ۱۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، صص ۷۵-۶۲.
- __ شاهین، مهدی، اسماعیل سپهوند و محمد امرایی، "بررسی قابوس‌نامه و گزیده باب‌های آن از منظر سیاست حکمرانی"، کنفرانس ملی چهار سوی علوم انسانی، شیراز، ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۴، صص ۱۲-۱.
- __ ماسه، هانری، «تشکیلات اداری و اجتماعی ساسانیان»، تاریخ تمدن ایران، به همکاری جمعی از دانشوران ایران‌شناس اروپا، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۳۹، صص ۲۰۲-۱۹۹.
- __ یارشاطر، احسان، "حضور ایرانیان در جهان اسلام"، حضور ایرانیان در جهان اسلام، گرد آورنده ریچارد هوانسیان و جورج صباغ، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، باز، ۱۳۸۱، صص ۱۷۲-۱۹.